

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

فرستنده: کانون یاددهانی از شهدای مردم افغانستان

۱۲ جون ۲۰۱۲

سخنرانی سهیلا دهماسی

در مراسم یادمان شهدای مردم افغانستان

۰۹ جون ۲۰۱۲ - تورنتو

با سلام به دوستان و رفقای گرامی، در ابتداء اجازه بدهید که از طرف خودم و فعالان چریکهای فدائی خلق ایران در تورنتو، یاد همه شهدای مردم افغانستان در مبارزه برای آزادی و دموکراسی را گرامی بدارم و با الهام از شاعر انقلاب، سعید سلطان پور، تأکید کنم که این خونها به خاک نمی ماند، بذر است و ماندگار است.

سالهاست که امپریالیستها چه در دوران شوروی سابق و چه در حال حاضر، افغانستان را آماج سیاستهای تجاوزگرانه خودشان قرار داده اند. و در تمام این سالها مردم ستمدیده افغانستان در مبارزاتشان برای استقلال و آزادی، زیر شدیدترین فشارها و اجحافها به سر بردند. برای نمونه تنها در طول ۱۰ سالی که از تعرض ارتش امریکا به این کشور می گذرد، روزی نبوده که ما خبری در رابطه با جنایات نیروهای اشغالگر در آن کشور نشویم. همین ۴ روز پیش، یعنی روز چهارشنبه ۶ جون بود که بر اثر بمباران یکی از روستاهای حومه "پل علم" مرکز ولایت "لوگر" در جنوب شرقی کابل توسط نیروهای امریکائی بیش از ۱۸ نفر من جمله ۷ تا بچه از اهالی محل کشته شدند. و این جنایت در شرایطی رخ داده که همین ماه قبل اوباما رئیس جمهور امریکا در جلسه ای که ناتو در شیکاگو داشته، فریبکارانه ادعا کرد که جنگ در افغانستان تمام شده.

در روز پنجشنبه، ۷ جون، یک روز بعد از آن بمبارانی که کردند، مردم محل در جریان یک تظاهرات بزرگی خشم و کینه خودشان را علیه نیروهای امریکائی و اشغالگران دیگر، با شعارهایی مثل شعار "مرگ بر اوباما" و با شعارهایی هم علیه دولت دست نشانده افغانستان، مثل شعار "مرگ بر حامد کرزی" خشم و کینه خودشان را نسبت به اشغالگران و دولت دست نشانده آنها در افغانستان به روشنی نشان دادند. تظاهرکنندگان توسط حمله نیروهای مسلح دولت دست نشانده کرزی وحشیانه سرکوب شدند و یک نفر از آنها شدیداً زخمی شد که در وضعیتی نزدیک به مرگ در بیمارستان بستری است.

واقعیت این است که سالهاست که امریکائی ها در افغانستان جنایت می کنند و مردم بیگناه و غیر مسلح را می کشند و بعد هم ریاکارانه ادعا می کنند که کشته شده ها از افراد وابسته به طالبان بودند. فرمانده اشغالگران امریکائی، در خبرها گوش می دادم روز گذشته، می گفت که "هرکسی ۵ زن و ۷ بچه و ۶ مرد را در یکی از وانت های تظاهرکننده ها ناکتیک تبلیغاتی و ضدمردمی که تاکنون بارها افشاء شده و مدارک غیر قابل انکاری را مردم افغانستان در معرض دید مردم دنیا قرار داده اند که نشان میدهد چنین ادعائی باطل است. در همین مورد هم یکی از خبرنگاران آسوشیتدپرس گزارش داده بود که خودش اجساد ۵ زن و ۷ بچه و ۶ مرد را در یکی از وانت های تظاهرکننده ها دیده بوده. مردمی که به تظاهرات رفته بودند، علیه این جنایات، در روز پنجشنبه، اجساد کشته شده ها را داخل وانت های سرباز، نشان مردم می داند که مردم ببینند اینها زن و بچه هستند، نه افراد مسلح و طالبانی و غیره. و قربانیان این جنایت، اهالی عادی غیرنظامی بوده اند و نه آنطور که امریکائی ها ادعا می کنند افراد مسلح وابسته به طالبان.

از طرف دیگر، کرزی چه حيله ای به کار می برد؟ کرزی که خودش دست نشاندۀ نیروهای اشغالگر است، چون می بیند مردم چقدر از نیروهای امریکائی متنفراند، برای سوار شدن بر خشم مردم و کنترل خشم مردم و به بیراهه کشاندن آن، همواره در ظاهر، تظاهر میکند که مخالف چنین اقدامات اشغالگران است، و روز چهارشنبه هم ظاهراً اعتراض کرد و از امریکائی ها خواست که دست از این حملات هوائی به روستاها و شهرها بردارد. اما واقعیت چیست؟ واقعیت این است که کرزی را خود امریکائی ها سر کار آوردند و کرزی که فاقد حمایت مردم افغانستان است، برای ماندن در قدرت به وجود همین اشغالگران نیاز دارد، به حمایت امریکائی ها نیاز دارد، به ادامه سرکوب مردم بی گناه هم نیاز دارد برای در قدرت ماندن.

یک مثال دیگر، رفیقمون هم اشاره کرد، یک مثال دیگر از جنایت امریکائی ها توی ۲۱ حوت بود، ۱۳ مارچ بود که امریکائی ها در منطقه "پنجوائی" (امیدوارم درست تلفظ کنم) خانه به خانه می ریزند داخل یک روستائی و حداقل ۱۶ روستائی بی گناه را که ۹ تایشان کودک بودند (*) به شکلی بسیار فجیع می کشند، به ۳ تا از زنها تجاوز می کنند و اجساد آنها را، به خاطر این که جنایتشان برملا نشود، همه را به آتش می کشند. و بعد هم امریکائی ها ادعا کردند که یک گروهبان امریکائی مست بوده، جنون آئی به وی دست داده، و در اثر فشارهای روحی و چیزهائی که در جنگ دیده فشارهای روحی بهش دست داده و این کار را کرده است. اما شاهدان زیادی که از خود محل بودند، شاهد این جنایت بودند، روستائی هائی که زنده مانده بودند، با خیرگذاری های مختلف مصاحبه کردند و مدارکی نشان دادند که این حمله کاملاً برنامه ریزی شده بوده، توسط گروهی از سربازها انجام شده نه یک نفر. و به هر حال خواسته مردم نادیده گرفته شد برای مجازات آنها، سربازها را هم خارج کردند که مردم آنها را به سزای اعمالشان نرسوند.

خوب، چرا چنین جنایاتی انجام میشود؟ واقعیت این است که همه این وحشیگری ها و جنایتها در واقع پاسخ نیروهای اشغالگر به مقاومت مردم مبارز افغانستان است که با اشغالگرها مبارزه می کنند، در مقابل اشغالگرها می ایستند و تسلیم آنها نشدند.

واقعیت این است که جنایات نیروهای اشغالگر علیه مردم مقاوم افغانستان، تا زمانی که در افغانستان حضور دارند ادامه خواهد داشت و با گسترش مقاومت مردم شدیدتر و فجیع تر از این هم میشود.

اساساً غیرممکن است که یک نیروی امپریالیستی کشوری را اشغال بکند و به چنین جنایات و کشتاری دست نزند. چرا که هر تجاوز امپریالیستی موجب میشود که توده های رنجدیده که به عینه می بینند که امپریالیستها برای غارت

منابع طبیعی آنها و به یغما بردن دسترنجشان سرزمین آنها را اشغال کردند، این مردم به مقاومت و مبارزه با اشغالگران بلند میشوند.

بنابراین، این تضاد میان مردم افغانستان و نیروهای اشغالگر حل شدنی نیست، مگر با خروج کامل نیروهای امپریالیستی از افغانستان و قطع کامل سلطه آنها در این کشور.

این امر (قطع کامل سلطه امپریالیستها) است که به مردم امکان می دهد که حق تعیین سرنوشت خودشان را به دست بیاورند و با سرنگونی رژیمهای وابسته به امپریالیست ها، در جهت برقراری یک جامعه واقعا آزاد و دموکراتیک قدم بردارند.

این جنگ خلاف ادعای اشغالگراها، برای مبارزه با تروریسم و یا برای برقراری دموکراسی و آزادی مردم افغانستان نیست. خود اشغالگراها نشان دادند که بزرگترین نیروی تروریستی دنیا هستند. همین طالبان که مثلا بهانه اشغال افغانستان شده، خودش توسط امپریالیست ها و رژیمهای خدمتگزار آنها در منطقه به دنیا آمد و به جان مردم افغانستان انداخته شد. واقعیت این است که دموکراسی در افغانستان به دست امپریالیست ها و حکومت های وابسته به آنها نه تنها دست یافتنی نیست، عملی نیست، بلکه همین جنایات اشغالگراها نشان دهنده ماهیت خود این جنگ امپریالیست ها با مردم افغانستان است.

هدف از اشغال افغانستان چیست؟ هدف واقعی از اشغال و جنگ افغانستان، پیشبرد خطوط ستراتیژیک امریکا و قدرت های دیگر امپریالیستی و به عقب بردن مواضع رقبای آنها در منطقه است. هدف از اشغال، چرخاندن چرخ های اقتصاد جنگی کشورهای غربی و تولید سودهای نجومی برای کمپانی های اسلحه سازی و انحصارات نظامی و کاهش فشار بحران اقتصادی کنونی بر سرمایه داران امپریالیستی است. هدف از اشغال، پاسخ دادن به نیاز های ستراتیژیک دولت های امپریالیستی است. قتل و غارت مردم افغانستان و خلق های دیگر تحت ستم، ضرورت تحقق این اهداف ضد خلقی و غارتگرانه است.

اجازه بدهید که حال که به جنایات امریکا در افغانستان اشاره کردم به این واقعیت هم اشاره کنم که این تنها مردم مبارز خود افغانستان نیستند که با جنگ و حضور نیروهای خارجی در آن کشور مخالف اند. همه مردم آگاه دنیا بر این واقعیت آگاهند که خلاف ادعای اشغالگران، اشغال افغانستان هیچ ربطی به استقرار دموکراسی ندارد و جنایت و کشتار مردم بی گناه هدف عمده اش است. به عنوان مثال در خود همین امریکا که دولتش بزرگترین نقش را در اشغال افغانستان داشته، یک نظرخواهی، آخرین بار در روز ۲۶ مارچ امسال شد که، از مردم امریکا نظرخواهی شد که نشان داد که ۷۰ درصد مردم امریکا مخالف حضور نیروهای نظامی امریکا در افغانستان هستند، و با جنگ در افغانستان مخالف اند. بنابراین، واقعیت این است که در همه جای دنیا مردم آگاه و نیروهای ضد امپریالیست علیه اشغال این کشور هستند و پشتیبان مردم افغانستان اند. در این میان باید به این مسأله هم تأکید کنم که نیروهای سیاسی و کمونیستهای ایران یکی از پیگیرترین حامیان مبارزه و مقاومت مردم افغانستان هستند. چرا که پیروزی مبارزات عادلانه کارگراها و توده های ستمدیده در هر یک از این کشورها مبارزات ضد امپریالیستی کشور دیگر را در منطقه تقویت می کند.

مردم ایران در جریان انقلاب ۵۷ که به وسیله امپریالیست ها، به کمک آنها و با نشان دادن جمهوری اسلامی به قدرت، به شکست کشیده شد، مردم ایران در آن تجربه فهمیدند که تا سلطه امپریالیستی و نظام سرکوبگری که ذاتی این سلطه است از بین نرود، آزادی و دموکراسی به دست نمی آید و این واقعیت همانطور که در ایران صادق است در افغانستان هم ثابت شده است. بدون شک این تجربه خونین مردم دو کشور ایران و افغانستان، آموزشی است که نمی

تواند با مخالفت نیرو های سازشکار و اما و اگر های آنها مواجه نشود. به همین دلیل هم هست که همانطور که در افغانستان شاهدیم در ایران هم می بینیم که نیرو هائی وجود دارند، افرادی وجود دارند که نه تنها حاضر به پذیرش این تجربه باارزش نیستند، بلکه خیلی بی شرمانه دولت امریکا و امپریالیست های دیگر را ناجی دموکراسی و حقوق بشر می دانند و برای سیاستهای ضد خلقی آنها جاده صاف می کنند. برای روشن تر شدن این واقعیت باید تذکر بدهیم که در ایران حتی ما با کسانی مواجه هستیم که برای خلاصی از شر جمهوری اسلامی که یک رژیم واقعاً سرکوبگر و وابسته است، از امکان حمله امریکا به ایران خوشحال می شوند این افراد، حاضر به درس گیری از آنچه در عراق و افغانستان گذشته، نیستند. و به عنوان مثال در جلسات الترناتیوسازی امریکائی ها برای ایران شرکت می کنند، و بی شرمانه ادعای حمایت از مبارزات مردم ایران را هم دارند، تحت لوای مخالفت با بنیادگرایی اسلامی و به اسم "مدرنیسم" شعار های ضد امپریالیستی را به سخره می گیرند.

اما خلاف این حامیان آشکار و پنهان امپریالیست ها، کارگران و زحمتکشان افغانستان و ایران و دیگر خلق های محروم منطقه، با دیدن جنایات اشغالگران در افغانستان و عراق، هرچه بیشتر عزمشان برای مبارزه با امپریالیست های جنایتکار بیشتر شده و برای پیشبرد مبارزه و دست یابی به آزادی به مبارزه ادامه خواهند یاد. در خاتمه ضمن تأکید بر پیوند ناگستنی خلقهای ایران و افغانستان بار دیگر یاد شهدای خلق افغانستان را گرامی داشته و برایتان در مبارزه علیه سلطه امپریالیسم و ارتجاع پیروزی آرزو می کنم.

زیرنویس:

در سخنرانی به اشتباه گفته شد ۶ کودک در این حمله کشته شدند، درحالی که آمار درست ۹ کودک است.

یادداشت:

با عرض پوزش خدمت خانم "دهماسی" که زبان گفتار آنها را جهت کمک به خوانندگان افغان، به زبان نگارش در آورده ایم.

اداره پورتال-AA-AA